شاره، حسین؛ توکلی، ترلان (۱۳۹۹). ارتباط جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت: نقش میانجی دلبستگی.
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۱ (۲)،۸۹-۱۰۴.
DOI: 10.22067/tpccp.2021.68487.1035

ارتباط جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت: نقش میانجی دلبستگی

حسین شاره[1]، ترلان توکلی[2]

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵ نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت در زنان متأهل انجام شد.

روش: این پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌ها و زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های بهداشت شهر مشهد در سال ۱۳۹۸، تشکیل می‌دادند که از این میان ۳۱۱ نفر به شیوه در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس‌های خیانت زناشویی، جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی جنسی زنان و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج مدل برازش شده، نقش میانجی سبک‌های دلبستگی (ایمن و اجتنابی) را در رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت مورد تأیید قرار داد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، توجه به تجارب اولیه فرد در خانواده اصلی، حائز اهمیت بسیاری است؛ از همین رو درمانگران و مشاوران خانواده می‌توانند با تکیه بر یافته‌های پژوهش حاضر، اقداماتی مؤثر در جهت پیشگیری و کاهش خیانت زوجین ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی جنسی، دلبستگی، خیانت.

۱. دانشیار، دانشگاه حکیم سبزواری و دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول) h.shareh@hsu.ac.ir, shareh@ferdowsi.um.ac.ir
۲ . کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، tarlan.tavakoli@gmail.com

مقدمه

بیش از سی سال است که خیانت[1] توسط محققان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Hertlein & Weeks, 2007). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که خیانت می‌تواند اثرات منفی بر روابط داشته باشد و ممکن است ترسناک‌ترین و مخرب‌ترین تجربه یک ازدواج باشد (Ignat, 2018; Omarzu, Miller, Schultz, & Timmerman, 2012) که منجر به طلاق می‌شود (Zordan, 2011).

بررسی سیستماتیک ادبیات (Scheeren, 2016) شیوع خیانت زناشویی را بین ۱/۲ درصد (Philippe, Koestner, Beaulieu-Pelletier, & Lecours, 2011)و ۸۹/۴ درصد (Zhang, Parish, Huang, & Pan, 2012) گزارش کرده‌اند. در برزیل، در پژوهشی که توسط گلدنبرگ با حضور ۱۲۷۹ زن و مرد از طبقه متوسط شهر ریودوژانیرو، انجام شد، یافته‌ها نشان داد که ۶۰ درصد از مردان و ۴۷ درصد از زنان مرتکب خیانت شده‌اند(Goldenberg, 2011). در ایران، نتایج تحقیقی که در ۱۵ استان کشور انجام شده است نشان می‌دهد خیانت علت ۶۷ درصد قتل مردان از سوی همسرانشان بوده است (Edjtehadi & Vahedi, 2016) . همچنین به نقل از خبرگزاری‌ها: «از مهم‌ترین علل اصلی طلاق در ایران در سال ۹۱ خیانت، اقتصاد و اعتیاد زوجین؛ در سال ۹۲: مسائل عقیدتی و دخالت خانواده‌ها و در سال ۹۳: بار دیگر خیانت و عدم رضایت جنسی بوده است» (Tabnak, 2015).

خیانت به عنوان یک عمل جنسی و/یا احساسی توسط شخصی که درگیر یک رابطه متعهدانه است، تعریف می‌شود. این عمل خارج از روابط زوجی رخ می‌دهد و به منزله نقض قوانین توافق شده بین زوج می باشد،که توسط یک یا هر دو نفر درگیر در رابطه عاطفی و یا جنسی رخ می‌دهد (Moller & Vossler, 2015). در همین ارتباط، نتایج یک نظرسنجی آنلاین در برزیل که شامل ۲۷۶ کاربر اینترنتی بود نشان داد، ۱/۲۳ درصد از شرکت‌کنندگان خیانت را نقض توافق تعریف کرده‌اند. علاوه بر این، جنبه‌های دیگری مانند ارتباط عاطفی با فردی دیگر، دروغ‌گویی، برقراری ارتباط جنسی با فردی دیگر، گرایش به دیگران، استفاده از فیلم‌های پورن، ارتباط در فضای مجازی و رابطه بدون احساس و عدم احترام را از دیگر جنبه‌های خیانت زناشویی دانسته‌اند (Haack & Falcke, 2014). مطالعات صورت گرفته از دهه ۱۹۸۰ تفاوت‌های زن و مرد را در رابطه با خیانت برجسته کرده است، تفاوت‌های جنسیتی یکی از زمینه‌های اصلی مطالعه در زمینه خیانت است (Kemer, Bulgan, & Yıldız, 2016). مطالعات اخیر نشان داده است که مردان نیاز بیشتری به احساسات جدید از خود نشان می‌دهند و در نتیجه احتمالاً گرایش به خیانت دارند (Lalasz & Weigel,

1. Infidelity

2011). علاوه بر این مطالعات همچنین اختلافاتی را در نحوه پاسخ‌گویی زن و مرد به انواع خیانت نشان داده‌اند؛ به طوری که زنان بیشتر به خیانت عاطفی و مردان به خیانت جنسی گرایش بالاتری دارند (Guadagno et al., 2015).

درباره علل و زمینه‌ها، بر اساس نتایج تحقیقات انجام یافته، می‌توان به اینترنت، مذهب و شکاف‌های جنسیتی (Fincham & May, 2017) ، سبک‌های دلبستگی و شبکه‌های اجتماعی[1] (Akçabozan, McDaniel, Corkery, & Curran, 2017)، تنوع طلبی(Weiser & Weigel, 2015) ، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی، انتقام گرفتن از همسر بی‌وفا، سطح تحصیلات، شغل و درآمد (Momeni, 2013)، بلوغ جنسی و اجتماعی، خانواده و مسائل پزشکی (Loudová, Janiš, & Haviger, 2013) و در نهایت سابقه روابط عاطفی و جنسی رضایت بخش (Kordbache & Arefi, 2018) اشاره نمود.

در دهه‌های اخیر محققان توجه ویژه‌ای به نقش دین در شکل گیری زندگی زناشویی از جمله رضایت زناشویی، تعهد، طلاق و کشمکش‌های زناشویی، خشونت خانگی و ... داشته‌اند (Burdette, Ellison, Sherkat, & Gore, 2007) اما آنچه که کمتر مورد توجه قرار گرفته است تأثیرات مذهب بر روابط فرازناشویی است. بر اساس نظریه آلپورت منظور از جهت‌گیری مذهبی گرایش به انجام اعمال و تفکرات مذهبی است و نوع جهت‌گیری در افراد درونی و بیرونی می‌باشد. مذهب درونی دارای اصول مشخص و اعتقادات درونی هر فرد است حال آنکه مذهب بیرونی امری خارجی و ابزاری است که برای نیازهای فردی از قبیل مقام، امنیت شغلی و فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Allport & Ross, 1967). در همین ارتباط تاتل و داویس (Tuttle & Davis, 2015) در پژوهشی دریافتند، دینداری احتمال خیانت زناشویی را در زوج‌هایی که حداقل ۱۲ سال از ازدواج آن‌ها سپری می‌شود کاهش می‌دهد (Tuttle & Davis, 2015). نتایج پژوهش امان، عباس، نورالنبی و بنی (Aman, Abbas, Nurunnabi, & Bano, 2019) نشان داد، تعهدات مذهبی و اعمال دینی بر افزایش رضایت زناشویی اثرگذار است. در ایران نیز خسروی، حیدرنیا و نظیفی (Khosravi, Heydarnia, & Nazifi, 2019) در پژوهشی دریافتند تأثیر نگرش مذهبی بر خیانت زناشویی منفی و معنادار است.

از عوامل دیگری که بر سلامتی و بقای خانواده اثرگزار است می‌توان به روابط جنسی رضایت‌بخش اشاره نمود (Forotan, 2007). آگهی‌های مختلف و مکرر در زمینه‌های جنسی و اقبال یا استقبال این آگهی‌ها حکایت از آن دارد که ادراک کارآمدی جنسی از موضوعات مهمی است که در رضایت از زندگی نقش

1. Social Networks

دارد (Gelder, Mayou, & Geddes, 2005)؛ خودکارآمدی جنسی[1] را می‌توان باوری دانست که هر فرد در مورد کارایی و عملکردش در فعالیت‌های جنسی و مطلوب بودن برای شریک جنسی خود دارد. چنین باوری نوعی خودارزیابی از توانایی و کارآمدی در رفتار جنسی است (Litzinger & Gordon, 2005). به نظر آلبرت بندورا باورهای فرد در مورد خودکارآمدی، در زمینه صلاحیت فرد برای اجرا و سازماندهی ارتباط جنسی بر عملکرد جنسی و واکنش‌های هیجانی وی تأثیر می‌گذارند (Bandura, 2000). در پژوهش‌های مختلف از خودکارآمدی جنسی، به عنوان یک عامل مهم برای ایجاد یک رابطه جنسی سالم و رضایت بخش نام برده شده است؛ به‌طوری‌که خودکارآمدی جنسی بالا با سازگاری جنسی بیشتر و بالا بودن فعالیت جنسی همراه است و از طرفی خودکارآمدی پایین روی عملکرد جنسی تأثیر منفی دارد و با بروز رفتارهای پرخطر جنسی در ارتباط است (Zimmer-Gembeck, 2013). همچنین نقش خودکارآمدی جنسی در رضایت زناشویی در پژوهش‌های (Jamali, Feiz Abadi, & Jamali, 2017) و (Zare, 2016) مورد تأیید قرار گرفته است.

متغیر دیگری که می‌تواند زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زوجین باشد، سبک‌های دلبستگی[2] است. سبک‌های دلبستگی اشاره به سبک ایمن، ناایمن دوسوگرای اضطرابی[3] و دلبستگی ناایمن اجتنابی[4] دارد که به‌عنوان یک رابطه با شخصی دیگر که به‌عنوان پناهگاهی امن در زمان پریشانی و پایگاه امنی برای توصیف جهان فرد است، تعریف می‌شود (Umemura, Lacinová, Kotrčová, & Fraley, 2018). در مطالعه‌ای راسل، باکر و مک نالتی (Russell, Baker, & McNulty, 2013) انجام دادند، دلبستگی دوسوگرای اضطرابی با پیش‌بینی خیانت همبسته بود. دیگر یافته این پژوهش نشان داد دلبستگی اجتنابی ارتباط منفی معناداری با خیانت زناشویی داشت. در پژوهشی مشابه فردوسی (Ferdosi, 2019) دریافت دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن دوسوگرای اضطرابی و دلبستگی ناایمن اجتنابی می‌توانند نگرش به خیانت زناشویی در زنان متأهل را پیش‌بینی کنند. بررسی پیشینه پژوهشی حاکی از آن است که دلبستگی ایمن در افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند بیش از افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی است و سبک دلبستگی دوسوگرا در افراد با جهت‌گیری مذهبی با فراوانی بیشتری گزارش شده است (Khonainzadeh, Ezhei, & Mazaheri, 2005). نتایج پژوهشی در بررسی ارتباط بین سبک دلبستگی و رابطه جنسی حاکی از آن است که در مردان رابطه جنسی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و در زنان با سبک دلبستگی اجتنابی رابطه منفی دارد (Dunkel, Lukaszewski, & Chua, 2016).

1. Sexual Self-Efficacy
2. Attachment Styles
3. Anxious Ambivalent Insecure Attachment Style
4. Avoidant Insecure Attachment Style

روی هم رفته، در حالی که شواهدی مبنی بر این‌که جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی جنسی و سبک دلبستگی با خیانت زناشویی مرتبط است وجود دارد، مطالعاتی که به بررسی نقش واسطه‌ای یا تعدیل‌گر در این ارتباط بپردازند، انگشت‌شمار است. دانستن این‌که وجود یک متغیر میانجی، میزان ارتکاب خیانت زناشویی را افزایش می‌دهد یا خیر، مداخلات پیش‌گیرانه فعلی را اصلاح کرده و نتایج مهمی را در جهت بهبود روابط زناشویی در پی خواهد داشت. برای پرداختن به این مهم پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال مهم است: آیا سبک دلبستگی در رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت زناشویی نقش میانجی‌گرانه دارد؟

روش

پژوهش حاضر با توجه به عدم مداخله در به وجود آمدن داده‌ها از حیث روش توصیفی و از نوع همبستگی و تحلیل مسیر است.

جامعه، نمونه و روش آماری

جامعه آماری را خانه‌های بهداشت شهر مشهد در سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند (N=۱۶۵۸). حجم نمونه پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۱۱ نفر محاسبه شد. انتخاب نمونه‌ها به شیوه در دسترس و از میان کسانی صورت گرفت که دارای ملاک‌های ورود به پژوهش بودند. در همین راستا پس از مراجعه به دانشگاه‌ها و تعدادی از خانه‌های بهداشت سطح شهر مشهد، بعد از بیان اهداف پژوهش و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان و اخذ رضایت آگاهانه از آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار افراد قرار داده شد تا در حضور محقق به آن‌ها پاسخ دهند. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها. در نهایت داده‌های گردآوری شده به روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در نرم افزارهای SPSS-24 و AMOS-20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ملاک‌های ورود به پژوهش: تأهل، زندگی با همسر، تحصیلات دیپلم و بالاتر و داشتن حداقل یک رابطه جنسی در دو ماه گذشته با همسر.

ابزارها

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان[1]: هازن و شاور (Hazan & Shaver, 1987)، این پرسشنامه را با ۱۵ سؤال و بر مبنای سبک‌های دلبستگی سه گانه اینزورث[2] (سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و با این فرض

1. Adult Attachment Questionnaire (AAQ)
2. Ainsworth

که می‌توان در روابط بزرگسالان نیز سبک‌های مشابه سبک‌های دلبستگی کودکان یافت، طراحی کردند. پاسخ‌گویی به سؤالات در طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم= ۱، کم= ۲، متوسط= ۳، زیاد= ۴ و خیلی زیاد= ۵) صورت می‌گیرد. در ایران در پژوهش خالق خواه و بابایی منقاری (Khaleghkhah & Babaei Menghari, 2015)، ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ به دست آمد.

مقیاس جهت‌گیری مذهبی[1]: آلپورت و راس (Allport & Ross, 1967) این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی در سال ۱۹۶۷ تهیه کردند. مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت، شامل ۲۱ سؤال و در طیف لیکرت (از کاملاً مخالفم نمره ۱ تا کاملاً موافقم نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس، گزینه‌های ۱ تا ۱۲ جهت‌گیری مذهبی بیرونی و عبارات ۱۳ تا ۲۱ جهت‌گیری مذهبی درونی را می‌سنجند. این مقیاس نقطه برش ندارد و هر چه آزمودنی‌ها در مقیاس‌های مورد بررسی نمرات بیشتری به دست آورند بیشتر دارای آن صفت می‌باشند. آلپورت و راس (Allport & Ross, 1967) در مطالعات اولیه‌ای که صورت گرفت، پایایی ابزار را برای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۹۲ به دست آوردند. شفیعی، شهابی–زاده و پورشافعی (Shafiei, Shahabizade & Pourshafei, 2012) در بررسی پایایی مقیاس یاده شده، آلفای کرونباخ جهت‌گیری مذهبی بیرونی را برابر با ۰/۷۱ و جهت‌گیری درونی را برابر با ۰/۶۲گزارش نمودند.

مقیاس خودکارآمدی جنسی زنان[2]: این ابزار برای اولین بار توسط بیرز و هینلین (Byers & Heinlein, 1989) طراحی شد و یک ابزار ۳۷ گویه‌ای است که شامل هشت بعد پذیرش بدن (۲، ۳)، امتناع (۱۰، ۱۱)، عواطف و علاقه (۸، ۹، ۱۵)، برانگیختگی جنسی (۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹)، برقراری ارتباط (۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۳، ۳۵)، تمایل (۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۲۲)، شهوانیت (۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۷) و اوج لذت جنسی (۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷) است. چنانچه واحد پژوهش توانایی انجام فعالیت را داشته باشد، میزان اطمینان خود را در محدوده ۱۰ (کاملاً نامطمئن) تا ۱۰۰ (کاملاً مطمئن) تعیین می‌کند و چنانچه قادر به انجام آن فعالیت نباشد، ستون‌های مقابل را خالی گذاشته و در این صورت نمره صفر محاسبه می‌شود. نمره‌دهی کلی این مقیاس از میانگین نمرات در تمام ابعاد خودکارآمدی جنسی بدست می‌آید و نمره بالاتر نشان دهنده خودکارآمدی جنسی بالاتر است و اینکه فرد در رابطه جنسی عملکرد بهتری دارد. نمره‌گزاری هر بعد نیز بر اساس میانگین نمرات آن بعد محاسبه می‌شود. پایایی این ابزار توسط بیرز و هینلین (Byers & Heinlein, 1989) از طریق بازآزمایی (r= ۰/۸۲) و ثبات داخلی (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳) تأیید شده است. اعتبار پرسشنامه در ایران توسط ساری خوانی

1. Religious Orientation Scale (ROS)
2. Sexual self Efficacy Scale- for Female (SSES-F)

(SariKhani, 2012) مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس خیانت[1]: مقیاس خیانت یک ابزار ۱۱ سؤالی است که توسط دریگوتاس، سافستروم و گنتیلیا (Drigotas, Safstrom, & Gentilia, 1999) ساخته شد و به واسطه ارزیابی میزان وسوسه و تمایل فرد برای درگیری در یک ارتباط فرازناشویی و همچنین ارزیابی شدت رابطه فرد با شخصی خارج از رابطه زناشویی، خیانت شناختی، فیزیکی و عاطفی را می‌سنجد. در مقیاس خیانت از پاسخگو درخواست می‌شود تا سطح شدت هر احساس یا رفتار را بر روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت که از ۱ یعنی عدم احساس/رفتار تا ۹ که بیانگر شدیدترین میزان احساس یا رفتار را شامل است، علامت بزنند. در این مقیاس نمره بالا نشانگر درجه‌ی صمیمیت شناختی، فیزیکی و عاطفی با فرد ثالثی که در خارج از رابطه زناشویی اصلی خود بدان جذب شده‌اند می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۹۳ و همبستگی بین نمره‌های آزمودنی در این مقیاس با رفتار خیانت آمیز برابر ۰/۸۰ گزارش شده است (Sami, Nazari, Mohsenzadeh, & Taheri, 2014).

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۱۱ نفر از دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌ها و زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های بهداشت شهر مشهد بودند. یافته‌های توصیفی و جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: فراوانی تحصیلات، سابقه تأهل، تعداد فرزندان و سابقه جدایی شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
تحصیلات	دیپلم	۶۰	۱۹/۳	تأهل	<۱ سال	۳۶	۱۱/۶
	فوق دیپلم	۴۲	۱۳/۵		۱–۳ سال	۵۱	۱۶/۴
	لیسانس	۱۲۸	۴۱/۲		۴–۷ سال	۸۶	۲۷/۶
	فوق لیسانس	۵۶	۱۸		۸–۱۱ سال	۳۵	۱۱/۲
	دکتری	۶	۱/۹		۱۲< سال	۹۳	۳۳/۲
تعداد فرزند	بدون فرزند	۱۴۴	۴۶/۳	سابقه جدایی	بدون سابقه	۹۸	۲۴/۴
	۱–۲ فرزند	۱۴۹	۴۱/۵		یک بار	۱۰۷	۴۶/۳
	۳–۴ فرزند	۳۵	۱۱/۳		دو بار	۱	۰/۴
	۵–۶ فرزند	۳	۰/۹		≤۳بار	۳	۱

1 . The Infidelity Scale

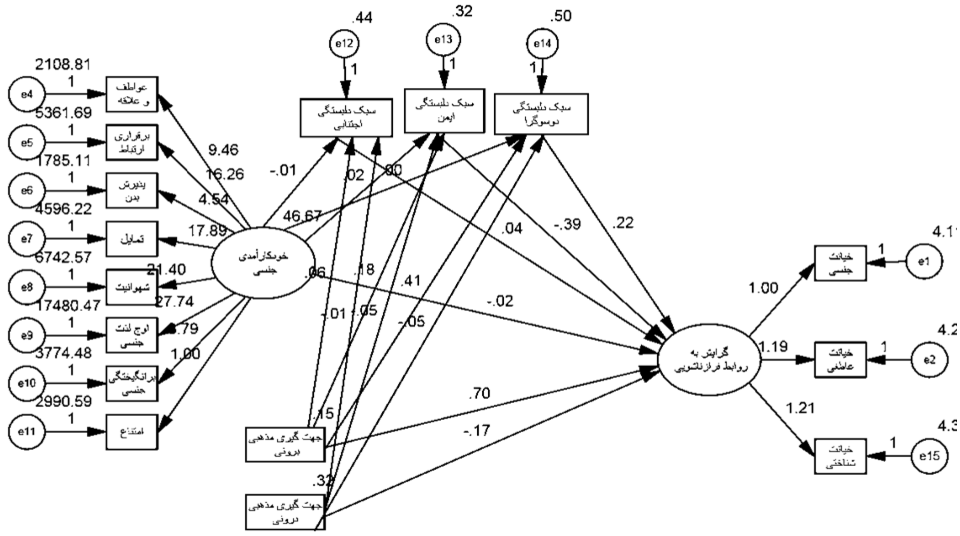
بر اساس نتایج جدول ۱، اغلب آزمودنی‌ها دارای تحصیلات لیسانس، با بیش از ۱۲ سال تأهل، بدون فرزند یا دارای ۱-۲ فرزند و سابقه یک بار جدایی از همسر می‌باشند. جدول (۲) میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها را بر حسب متغیرهای اصلی پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد سبک دلبستگی، جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی جنسی و روابط فرازناشویی

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
جهت گیری مذهبی	بیرونی	۲/۲۰	۰/۳۹
	درونی	۲/۶۳	۰/۵۷
خودکارآمدی جنسی	عواطف و علاقه	۶۱/۵۲	۲۶/۴۶
	برقراری ارتباط	۵۶/۷۳	۲۶/۵۱
	پذیرش بدن	۷۲/۵۹	۲۶/۲۵
	تمایل	۶۷/۵۳	۲۳/۰۲
	شهوانیت	۶۷/۵۷	۲۷/۹۹
	اوج لذت جنسی	۵۹/۵۲	۲۵/۴۹
	برانگیختگی جنسی	۴۴/۲۸	۲۱/۵۱
	امتناع	۴۷/۶۸	۲۱/۸۷
	خودکارآمدی جنسی (نمره کل)	۵۸/۲۶	۲۰/۰۸
سبک‌های دلبستگی	سبک دلبستگی ایمن	۲/۵۲	۰/۶۷
	سبک دلبستگی دوسوگرا	۳/۱۲	۰/۵۸
	سبک دلبستگی اجتنابی	۲/۶۶	۰/۷۱
خیانت	خیانت شناختی (ترکیبی)	۲/۶۴	۲/۴۳
	خیانت عاطفی	۲/۳۵	۲/۳۷
	خیانت فیزیکی	۱/۸۱	۱/۵۵
	گرایش به روابط فرازناشویی (نمره کل)	۲/۳۰	۲/۰۴

بررسی شاخص‌های توصیفی متغیر جهت‌گیری مذهبی (جدول ۲) نشان می‌دهد که زنان شرکت‌کننده در پژوهش به میزان بیشتری از جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی برخوردار بوده، در حالی‌که خودکارآمدی جنسی متوسط داشته و بدن خود را به‌طور مناسبی پذیرفته‌اند اما به میزان کمتری اوج لذت جنسی را تجربه می‌کنند. سبک دلبستگی دوسوگرا شایع‌ترین سبک دلبستگی در بین زنان مورد مطالعه می‌باشد و خیانت شناختی (ترکیبی) نسبت به دیگر خیانت‌ها در بین آن‌ها به میزان بیشتری اتفاق افتاده است.

به منظور بررسی نقش میانجی‌گرایانه سبک‌های دلبستگی در رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت در زنان متأهل از مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش تحلیل مسیر استفاده شد. شکل ۱ تحلیل مسیر و روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمودار تحلیل مسیر متناسب با مدل مفهومی و روابط بین متغیرها

در جدول شماره ۳ مقادیر اثرات متغیرهای میانجی در ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک آورده شده است.

جدول ۳: مقادیر اثرات غیر مستقیم مدل اولیه تحقیق

متغیر میانجی	روابط میان متغیرها	ضریب بتا	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معناداری	نتیجه فرضیه
سبک های دلبستگی ایمن	جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر خیانت	۰/۱۷۵	۰/۰۱۱	۷/۰۸۲	۰/۰۰۱	تأیید
	جهت‌گیری مذهبی درونی بر خیانت	۰/۱۸۱	۰/۰۸۲	۲/۲۱۳	۰/۰۳۴	تأیید
	خودکارآمدی جنسی بر خیانت	۰/۴۱۱	۰/۱۰۲	۴/۰۱۰	۰/۰۰۱	تأیید
سبک های دلبستگی دوسوگرا	جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر خیانت	۰/۰۶۲۹	۰/۰۹۶	۰/۶۵۵	۰/۳۳۲	عدم تأیید
	جهت‌گیری مذهبی درونی	۰/۰۰۹-	۰/۰۶۶	۰/۱۳۸-	۰/۳۹۵	عدم تأیید

	بر خیانت					
	خودکارآمدی جنسی بر خیانت	−۲/۲۴۵	۰/۱۲۸	−۱/۹۸۳	۰/۰۵۵	عدم تأیید
سبک دلبستگی اجتنابی	جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر خیانت	۰/۰۴۹	۰/۰۵۶	۰/۸۷۹	۰/۲۷۱	عدم تأیید
	جهت‌گیری مذهبی درونی بر خیانت	۰/۴۵۶	۰/۰۷۱۱	۶/۴۲۶	۰/۰۰۱	تأیید
	خودکارآمدی جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۲۴۸	۰/۱۰۲	۲/۱۴۲	۰/۰۴۰	تأیید

بر اساس نتایج جدول (۳)، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم جهت‌گیری مذهبی بیرونی و درونی و خودکارآمدی جنسی بر خیانت زناشویی از طریق سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی معنادار است ($P<0/05$). بر این اساس می‌توان سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی را در رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و خودکارآمدی جنسی با خیانت زناشویی دارای نقش واسطه‌ای دانست.

نتیجه

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی در رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و خیانت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. اگر چه پیشینه پژوهشی مستقیمی در این رابطه یافت نشد؛ اما این یافته را می‌توان با استناد به پژوهش‌های غیر مستقیم تبیین نمود.

نتایج این مطالعه بیان‌گر اهمیت روابط اولیه‌ی کودک با والد اصلی به عبارتی سبک دلبستگی فرد و نقش آن در روابط بزرگسالی او مخصوصاً روابط زناشویی است (Feeney, 1999). مطالعه طولی کوپر و همکاران (Cooper et al., 2006) در مورد نوجوانان مشخص نمود دخترانی که سبک دلبستگی ایمن دارند روابط جنسی بهتری را تجربه می کنند و از این روابط برای بیشتر شدن احساس صمیمیت استفاده کرده و لذت بیشتری از روابط خود می‌برند صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی، روش نمونه‌گیری و جامعه‌آماری، در پژوهش‌های مختلف مشخص شده است که در صورتی که دختری در کودکی سبک دلبستگی ایمن را با مادرش تجربه کند در دوران بزرگسالی این قابلیت روی روابط جنسی‌اش تأثیر بسزایی دارد، در واقع تأثیر مثبت دلبستگی ایمن به مادر بیش از تأثیرات سوء سبک‌های ناایمن به مادر، در بزرگسالی بروز می‌کند. افراد با دلبستگی ایمن خود را افراد دوست داشتنی از نظر دیگران دانسته و مهارت‌های اجتماعی بالاتری را گزارش می‌کنند، در روابط خود انتظارات مثبتی از دیگران دارند و در نتیجه احساس بهتری را تجربه می‌کنند که این

ویژگی‌ها می‌تواند بر عملکرد جنسی آنان تأثیر بگذارد (Khonainzadeh et al., 2005).

از طرفی سطوح بالای خودکارآمدی جنسی می‌تواند در افزایش کیفیت زندگی و در نهایت کاهش خیانت زناشویی مؤثر باشد. در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده همسو با نتایج پژوهش حاضر، از خودکارآمدی جنسی به عنوان عاملی مهم در برقراری رابطه جنسی رضایت‌بخش و سالم نام برده‌اند (Zare, 2016; Zimmer-Gembeck, 2013). هر چه زوجین عملکرد جنسی بهتری داشته باشند گرایش کمتری را به روابط فرازناشویی گزارش می‌کنند (Gridley, 2006).

نتایج مطالعه‌ی تریسی، شاور، البینو و کوپر (Tracy, Shaver, Albino, & Cooper, 2003) بر روی نوجوانان مشخص نمود که سبک دلبستگی با انگیزش جنسی و هیجانات تجربه شده در طی فعالیت جنسی مرتبط است و افراد ایمن با احتمال بیشتری از رابطه‌ی جنسی لذت می‌برند و خودکارآمدی جنسی بیشتری را در روابط خود گزارش می‌کنند ولی افراد دوسوگرا و اجتنابی کمتر قادر به تجربه‌ی هیجانات گرم و صمیمانه در طی فعالیت جنسی می‌باشند. از اینجا می‌توان استنباط نمود که سبک‌های دلبستگی از طریق تأثیر بر خودکارآمدی جنسی قادرند گرایش به روابط فرازناشویی را در افراد پیش‌بینی کنند.

در خصوص دیگر یافته پژوهش می‌توان بیان داشت، افراد که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی در مقیاس دلبستگی به خدا از اجتناب و اضطراب کمتری برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر دارای دلبستگی ایمن به خدا هستند e دلبستگی ایمن به خدا، همان دلبستگی رشد یافته‌ای است که اژه‌ای(Ezhehei., 2002) آن را عامل اساسی می‌داند که می‌تواند با ارتباط با خدای شایسته دوست داشتن، آدمی را به اوج برساند. این دلبستگی ایمن همراه با پایبندی به اصول می‌تواند باعث افزایش خودکنترلی افراد و در نتیجه به عنوان یک عامل بازدارنده از خیانت زناشویی عمل کند. علاوه بر این در جامعه‌ای که مذهب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اکثریت قریب به اتفاق، دین‌دار محسوب می‌گردند، ممکن است نوعی الزام اجتماعی موجب گردد حتی افرادی که عمیقاً به خدا اعتقادی ندارند یا خدا را غیر قابل دسترس می‌پندارند، به نوعی برای رفع نیازها و پیشبرد اهدافشان کم یا بیش از مذهب بهره گیرند (جهت‌گیری مذهبی بیرونی). اگر چه برخلاف جهت‌گیری مذهبی درونی، میزان ایمنی افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند در دلبستگی به خدا و دلبستگی به بزرگسالان کمتر می‌باشد (Khonainzadeh et al., 2005)؛ اما بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در برابر خیانت زناشویی ایجاد مصونیت نماید.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مذهب می‌تواند چارچوب معتبر و پایداری برای سلامت روانی افراد فراهم کند، چنانچه شرایطی فراهم شود که فرد بتواند مذهب را در چارچوب و ساختار شناختی و

عاطفی خود درونی کند و از سطح باور به سطح ایمان مذهبی انتقال یابد، چنین مذهبی می‌تواند وحدت یافتگی فرد را تضمین کرده و سلامت روانی او را فراهم کند و به عنوان سدی محکم در برابر انحرافات اخلاقی عمل نماید. همچنین با توجه به ارتباط بین خودکارآمدی جنسی و گرایش به روابط فرازناشویی، به نظر می‌رسد کاربرد رویکردهایی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی جنسی و خودکارآمدی جنسی زنان جهت توفیق در زندگی زناشویی و در نتیجه قوام و دوام خانواده‌ها در جامعه ضرورت داشته باشد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به جمع آوری نمونه از مراکز دانشگاهی و مراکز بهداشتی اشاره نمود. انجام تحقیقات تجربی با نمونه گیری تصادفی و طرح‌های تجربی یا طولی می‌تواند به اثبات نتایج تحقیق کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی مشابه در جامعه مردان و در فرهنگ‌های دیگر نیز اجرا گردد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از مسئولان محترم دانشگاه‌ها و خانه‌های بهداشت شهر مشهد و همچنین از تمام زنان متأهلی که در انجام این پژوهش، محققان را یاری کردند تقدیر و تشکر می کنیم.

References

Akçabozan, N. B., McDaniel, B. T., Corkery, S. A., & Curran, M. A. (2017). Gender, sacrifices, and variability in commitment: A daily diary study of pregnant heterosexual cohabitors and their partners. *Sex Roles*, *77*(3), 194-208.

Allport, G. W., & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of personality and social psychology, 5*(4), 432.

Aman, J., Abbas, J., Nurunnabi, M., & Bano, S. (2019). The relationship of religiosity and marital satisfaction: the role of religious commitment and practices on marital satisfaction among Pakistani respondents. *Behavioral Sciences, 9*(3), 30.

Bandura, A. (2000). Exercise of human agency through collective efficacy. *Current directions in psychological science*, *9*(3), 75-78.

Burdette, A. M., Ellison, C. G., Sherkat, D. E., & Gore, K. A. (2007). Are there religious variations in marital infidelity? *Journal of Family Issues, 28*(12), 1553-1581.

Byers, E. S., & Heinlein, L. (1989). Predicting initiations and refusals of sexual activities in married and cohabiting heterosexual couples. *Journal of Sex Research*, *26*(2), 210-231.

Cooper, M. L., Pioli, M., Levitt, A., Talley, A. E., Micheas, L., & Collins, N. L. (2006). Attachment styles, sex motives, and sexual behavior. *Dynamics of romantic love: Attachment, caregiving, and sex*, 243-274.

Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of personality and social psychology*, *77*(3), 509.

Dunkel, C. S., Lukaszewski, A. W., & Chua, K. (2016). The relationships between sex, life history strategy, and adult romantic attachment style. *Personality and Individual Differences*, *98*, 176-178.

Edjtehadi, M., & Vahedi, G. (2016). Sociological study of the potential of infidelity in marital

relations and its effective factors among public and private sector employees. *Iranian Socioligical Associoation, 17*(4), 105-138.
Feeney, J. A. (1999). Adult attachment, emotional control, and marital satisfaction. *Personal Relationships, 6*(2), 169-185.
Ferdosi, S. (2019). The prediction of attitudes toward infidelity based on attachment behavior in couple relationships, marital quality relationship and attachment styles in married women. *Contemporary Psychology, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association*, *13*(2), 149-157.
Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology, 13,* 70-74.
Forotan, A., Milani, M (2007). Prevalence of sexual disorders in divorce Applicants refer to family court. *Daneshvar Medicine, 78(10),*, 39-41.
Gelder, M., Mayou, R., & Geddes, J. (2005). Psychiatry: An Oxford Core Text: Oxford: Oxford University Press.
Goldenberg, M. (2011). Why do men and women cheat? Rio de Janeiro. *RJ: BestBolso*.
Gridley, C. G. (2006). *Integrating sex therapy and couple therapy in the treatment of hypoactive sexual desire disorder: An attachment-based approach*: Alliant International University, San Francisco Bay.
Guadagno, L., Sarno, M., Vietri, U., Raimondo, M., Cirillo, C., & Ciambelli, P. (2015). Graphene-based structural adhesive to enhance adhesion performance. *RSC Advances, 5*(35), 27874-27886.
Haack, K. R., & Falcke, D. (2014). Love and Marital Quality in Romantic Relationships Mediated and Non-Mediated by Internet1. *Paidéia (Ribeirão Preto), 24,* 105-113.
Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology, 52*(3), 511.
Hertlein, K. M., & Weeks, G. R. (2007). Two roads diverging in a wood: The current state of infidelity research and treatment. *Journal of Couple & Relationship Therapy, 6*(1-2), 95-107.
Ignat, R. (2018). 704 Infidelity, impulsivity, attachment and distorted cognitions. *The Journal of Sexual Medicine, 15*(7), S401.
Ezhehei, J, (2002). Needs in the Quran. Journal of Psychology. *6 (24 consecutive 4),* 323-307.
Jamali, M., Feiz Abadi, S., & Jamali, M. (2017). The effect of cognitive behavioral intervention on women's sexual self-efficacy and marital satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health, 19*(special issue), 29-38.
Kemer, G., Bulgan, G., & Yıldız, E. Ç. (2016). Gender differences, infidelity, dyadic trust, and jealousy among married Turkish individuals. *Current Psychology, 35*(3), 335-343.
Khaleghkhah, A., & Babaei Menghari, M. M. (2015). Relationship between attachment styles and spiritual intelligence with religious attitudes of Secondary school students in Amol city, 2014. *Journal of Religion and Health, 2*(2), 1-9.
Khonainzadeh, M., Ezhei, J., & Mazaheri, M. (2005). Comparison of attachment style of students with internal and external religious orientation. *Journal of psychology, 9*(3), 225-247.
Khosravi, A., Heydarnia, A., & Nazifi, M. (2019). The role of Religious Attitude in Attitude towards Infidelity: The Mediating Role of Subjective Well-being. *Positive Psychology Research, 5*(3), 13-28.
Kordbache, S., & Arefi, M. (2018). The role of family communication patterns and sexual

quality in predicting attitudes toward marital infidelity in women in Isfahan. *Social Behavior Research & Health, 2*(1), 199-209.

Lalasz, C. B., & Weigel, D. J. (2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality and Individual Differences, 50*(7), 1079-1083.

Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy, 31*(5), 409-424.

Loudová, I., Janiš, K., & Haviger, J. (2013). Infidelity as a Threatening Factor to the Existence of the Family. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 106*, 1462-1469.

Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of sex & marital therapy, 41*(5), 487-497.

Momeni, J. N., Z. . (2013). *Illegal relationships. T*ehran: Shabahang.

Omarzu, J., Miller, A. N., Schultz, C., & Timmerman, A. (2012). Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. *International Journal of Sexual Health, 24*(2), 154-162.

Philippe, F. L., Koestner, R., Beaulieu-Pelletier, G., & Lecours, S. (2011). The role of need satisfaction as a distinct and basic psychological component of autobiographical memories: A look at well-being. *Journal of personality, 79*(5), 905-938.

Russell, V. M., Baker, L. R., & McNulty, J. K. (2013). Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships really inform us about marriage? *Journal of Family Psychology, 27*(2), 242.

Sami, A., Nazari, M., Mohsenzadeh, F., & Taheri, M. (2014). Multiple relationships of attachment styles, personality dimensions, and marital satisfaction with marital breakdown. *Journal of women's educational and cultural education, 9*, 79-93.

SariKhani, R. (2012). *Comparison of the effect of TTM-based sex education with traditional approach on sexual self-efficacy of nulliparous women in Tehran University of Medical Sciences after childbirth.* (PhD Thesis,), Tehran University of Medical Sciences.

Scheeren, P. (2016). *Conjugal Infidelity Behaviors: The construction of an instrument.* Federal University of Rio Grande do Sul, , Porto Alegre, RS, Brazil.

Shafiei, N., Shahabizade, F., & Pourshafei . (2012). eligious Orientation and External Control Center, providing a model of happiness in students. *Psychology and Religion, 20*, 107-121.

Tabnak. (2015). Extramarital triangles increase divorce. News ID 534919. Published on October 27, 2015. Available through the portal http://www.tabnak.ir/fa/news/534919 Accessed 21/07/1399. (in Persian)

Tracy, J., Shaver, P., Albino, A., & Cooper, M. (2003). Attachment stylesandadolescentsexuality. InP. Florsheim (Ed.), Adolescentromance and sexual behavior: Theory, research, and practical implications (pp. 137–159): Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Tuttle, J. D., & Davis, S. N. (2015). Religion, infidelity, and divorce: reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples. *Journal of divorce & remarriage, 56*(6), 475-489.

Umemura, T., Lacinová, L., Kotrčová, K., & Fraley, R. C. (2018). Similarities and differences regarding changes in attachment preferences and attachment styles in relation to romantic relationship length: longitudinal and concurrent analyses. *Attachment & human development, 20*(2), 135-159.

Weiser, D. A., & Weigel, D. J. (2015). Investigating experiences of the infidelity partner: Who is the “other man/woman”? *Personality and Individual Differences, 85*, 176-181.

Zare, Z. (2016). Survey of Relationship between Sexual Self-efficacy and Sexual Life Quality with Marital Satisfaction in Primiparous Women after Childbirth. *Beyhagh*, *21*(2), 1-10.

Zhang, N., Parish, W. L., Huang, Y., & Pan, S. (2012). Sexual infidelity in China: Prevalence and gender-specific correlates. *Archives of Sexual Behavior, 41*(4), 861-873.

Zimmer-Gembeck, M. J. (2013). Young females’ sexual self-efficacy: Associations with personal autonomy and the couple relationship. *Sexual health*, *10*(3), 204-210.

Zordan, E. P., & Strey, M. (2011). Marital separation: Aspects involved in this decision, reverberation and future. *projects. thinking families, 15*, 71-88.

The Relationship between Religious Orientation and Sexual Self-Efficacy with Infidelity: The Mediating Role of Attachment

[a]Hossein Shareh*
[b]Tarlan Tavakoli
[a]Hakim Sabzevari University & Ferdowsi University of Mashhad
[b]University of Neyshabour

Abstract

Purpose: The aim of this study was to investigate the mediating role of attachment styles in the relationship between religious orientation and sexual self-efficacy with infidelity in married women.

Method: This research was a descriptive-correlational study. The statistical population consisted of married female students of universities and married women referring to health centers in Mashhad in 2019. From this population, 311 people were selected as the research sample using convenience sampling method. To collect data, Marital Infidelity Scale, Religious Orientation Scale, Sexual Self-Efficacy Scale for Females and Adult Attachment Style Questionnaire were used. The data were analyzed using the structural equation modeling.

Findings: The results of the fitted model confirmed the mediating role of (secure and avoidant) attachment styles in the relationship between religious orientation and sexual self-efficacy with infidelity. Based on the findings of the present study, it is concluded that considering the individual's initial experiences in the original family is important. Relying on the findings of this study, therapists and family counselors can provide effective measures to prevent or reduce marital infidelity.

Keywords: Religious orientation, Sexual self-efficacy, Attachment, Infidelity.

* . h.shareh@hsu.ac.ir, shareh@um.ac.ir